

مطالعه تطبیقی تعارض در توافق نامه سهام‌داری با اساسنامه شرکت و قوانین آمره

محمد رضا پاسبان*
الهام ضامنی**

تاریخ تألیف: ۱۴۰۱/۸/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۱۷

چکیده

سهام‌داران به منظور تکمیل مفاد اساسنامه یا تنظیم جزئیات روابط خود در رابطه با حمایت از حقوق سهام‌داران اقلیت نحوه اداره شرکت و پُر کردن خلأ قانونی حقوق شرکت‌ها نسبت به حقوق مربوط به سهام‌شان یا شخص سهام‌دار، مباردت به انعقاد توافق نامه سهام‌داری می‌نمایند. با توجه به تفاوت‌های اساسنامه و توافق نامه سهام‌داری، بروز تعارض بین آنها امری اجتناب‌ناپذیر است. توافقات سهام‌داران اگر به شکل اجماعی یا پیش از تنظیم اساسنامه منعقد گردد در حکم اساسنامه بوده و احتمال بروز تعارض منتهی است و در غیر این صورت، تعارض محتمل بین آنها قابل بررسی است. به منظور بررسی اقسام تعارض بین این اسناد قوانین کشورهای مختلف و راه‌حل‌های ارائه شده توسط قانونگذار مورد بررسی قرار گرفته است. در کشورهایی که مقرر قانونی در این باره وجود ندارد اصل حاکمیت اراده سهام‌داران و همچنین تفوق مفاد اساسنامه شرکت حاکم است. در مرحله بعد رابطه توافق نامه سهام‌داری و قوانین آمره مربوط به حقوق شرکت‌ها در رویه قضایی و قوانین نظام‌های حقوقی مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. ویژگی مشترک در قوانین آمره حفظ حقوق اشخاص ثالث و نظم عمومی است. در حقوق ایران نیز مقرر قانونی در باب توافق نامه سهام‌داری وجود ندارد و سهام‌داران باید در انعقاد توافق نامه سهام‌داری بر اساس اصل حاکمیت اراده به قوانین آمره درباره حقوق اشخاص ثالث و اساسنامه شرکت توجه داشته باشند. در نهایت، برای رفع ابهامات و خلاهای قانونی این حوزه لازم است مواد پیشنهادی درباره ماهیت، مفاد و حدود توافق نامه سهام‌داری در لایحه اصلاح قانون تجارت مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: توافق نامه سهام‌داری، اساسنامه، حقوق شرکتها، تعارض، قوانین آمره.

* دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی/ نویسنده مسئول (mpaseban@hotmail.com).

** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبائی (elhamzameni20@gmail.com).

مقدمه

امروزه باتوجه به گسترده‌تر شدن و پیچیدگی حقوق شرکت‌ها می‌توان به ضرورت و ارزش قراردادهای جانبی پی برد. سهام‌داران به منظور تکمیل اسناد شرکت به توافقات تکمیلی وفق اصل آزادی قراردادی متوسل می‌گردند. یکی از نمونه‌های بارز قراردادهای جانبی در حقوق شرکت‌ها توافقنامه‌های سهام‌داری (Share Holder Agreements) است. چنین قراردادهایی در برگزیده روابط جزیی بین سهام‌داران در موارد سکوت یا فقدان کارآمدی قوانین و قواعد حاکم بر شرکت‌ها است. توافقنامه‌های سهام‌داری مبادرت به تشریح روابط میان سهام‌داران متفاوت، سهامشان، مدیریت و کنترل موضوع شرکت و تعیین مکانیسم‌های اداره شرکت می‌نمایند. مفهوم توافقات سهام‌داران، انواع آن و نتایج خاص این توافقات و نحوه جمع‌نمودن میان اصل آزادی قراردادی و قوانین آمره حقوق شرکت‌ها به تدریج در قانون داخلی برخی از کشورها مانند امریکا، دانمارک، بلژیک، ایتالیا و هندوستان، استرالیا، هنگ کنگ و روتیه قضایی انگلستان به شکل مفصل تبیین گردیده است؛ با این حال در برخی دیگر از کشورها مانند آلمان، اتریش و سوئیس مقررات مشخصی در باب توافق‌نامه سهام‌داری وضع نگردیده است و همچنان برای انعقاد این نوع از قراردادها به اصل حاکمیت اراده باوجود محدودیت‌های ناشی از آن تمسک می‌کنند.

توافق‌نامه‌های سهام‌داری به موازات اسناد تاسیس شرکت‌ها منعقد می‌گردند. مهم‌ترین اسناد ضروری برای تاسیس و ثبت شرکت‌های تجاری اساسنامه و شرکت‌نامه است که اصول کلی و خط مشی‌های شرکت را بر مبنای قوانین آمره حقوق شرکت‌ها معین می‌کنند. باوجود آنکه این اسناد نیز متولی بیان روابط میان سهام‌داران و اداره شرکت هستند اما به‌دلیل باقی ماندن برخی ابهامات و خلاها در زمینه اداره شرکت‌ها و یا حقوق سهام‌داران اقلیت و مانند آن، نهاد توافقنامه سهام‌داری در نظام‌های حقوقی مختلف شناسایی شده است؛ بنابراین، توافق‌نامه سهام‌داری در برگزیده جزییات امور و توافقاتی بین سهام‌داران و شرکا است که در اساس‌نامه یا شرکت‌نامه پیش‌بینی نگردیده است (Mock, 2020, pp.15-17).

در یک تعریف کلی توافق‌نامه سهام‌داری به قراردادی اطلاق می‌گردد که سهام‌داران در راستای توافق بر حقوق و تکالیف ناشی از سهام به شکل مکتوب منعقد می‌نمایند و محتوای آن مربوط به اعمال حق رأی در خصوص حقوق وابسته به سهام، اعمال حق رأی جهت اداره شرکت، وضعیت سهام در مورد تغییر سرمایه در شرکت و محدودیت‌های انتقال سهام است. (Chemla et al.

(2004, p.1). با عنایت به قاعده حاکمیت رأی اکثریت در شرکت‌های تجاری، هدف اصلی از انعقاد توافق‌نامه سهام‌داری تسهیل روابط سهام‌داران و افزایش پویایی شرکت به ویژه از طریق افزایش قدرت چانه زنی سهام‌داران اقلیت بوده است. برای نمونه با انعقاد توافق‌نامه سهام‌داری، سهام‌داران اقلیت می‌توانند با انتخاب برخی از اعضای هیات مدیره یا تعیین ناظر در اداره و کنترل شرکت نقش موثرتری ایفا نمایند. تقویت و تحکیم حقوق سهام‌داران خرد سبب جذب سرمایه‌های اشخاص هرچند اندک به سمت شرکت‌ها می‌گردد.

باتوجه به اینکه اساسنامه و شرکت‌نامه نیز به تنظیم روابط میان سهام‌داران و اداره شرکت مربوط بوده و از طرفی برخی قوانین آمره در این باره وجود دارد و باتوجه به تفاوت‌های اساسنامه و توافق‌نامه سهام‌داری، بروز تعارض بین آنها امری اجتناب‌ناپذیر است. چراکه این توافق‌نامه بین سهام‌داران و بدون مداخله شرکت منعقد می‌گردد. در اکثر نظام‌های حقوقی مانند سوئیس، آلمان، اتریش و بلژیک که مبادرت به وضع قانون برای توافق‌نامه سهام‌داری ننموده‌اند این پیش فرض وجود دارد که توافق‌نامه سهام‌داری با اساس نامه نایستی در تعارض باشد؛ اما مسئله اصلی این است در چه مواردی بین توافق‌نامه سهام‌داری و اسناد پایه‌ای شرکت تعارض ایجاد می‌گردد و در صورت وجود تعارض این تعارضات چگونه حل و فصل می‌شوند و راه حلی که کشورهای مختلف برای آن در نظر می‌گیرند باتوجه به اصول تفوق قوانین آمره حقوق شرکت‌ها و اصل حاکمیت اراده در حقوق قراردادهای به چه صورت است. باتوجه رو آوردن شرکت‌ها در نظام‌های حقوقی مختلف به استفاده از این نهاد حقوقی از یک سو و طرح دعوی و پرونده‌های متعدد به دلیل ابهامات و تعارضات ظاهری و حقیقی مختلف در توافق‌نامه سهام‌داری و قواعد حقوق تجارت شایسته است شناسایی نهاد مزبور و رفع ابهام از جنبه‌های مختلف آن در نظام حقوقی ایران نیز مورد توجه قرار گیرد.

باوجود خلأ قانونی در باب توافق‌نامه‌های سهام‌داری در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و همین‌طور لایحه قانون تجارت مصوب ۱۳۸۴، ناشناخته ماندن و عدم استفاده از این قراردادها در کشور، بررسی قوانین و رویه‌های قضایی موجود در کشورهای دیگر باتوجه به ظرفیت‌های قانونی در سیستم حقوقی کشورمان ضرورت می‌یابد چراکه در عمل توسعه اقتصادی و تجاری در گرو حقوق تجارت پویا و منعطف، کاستن از هزینه‌های شرکت در روابط سهام‌داران و افزایش کارایی می‌باشد و استفاده از توافق‌نامه سهام‌داری شرکت‌ها را به اهداف مذکور رهنمون می‌گردد؛ اما کم رنگ ماندن آن در نظام حقوقی تبعاتی همچون از دست‌دادن سرمایه‌ها یا پرهزینه بودن روابط بین

سهام‌داران از نظر مالی و فرصتی را می‌تواند در پی داشته باشد. بر فرض استفاده از این نوع توافقنامه در نظام حقوقی ایران و باتوجه به تجربه دیگر نظام‌های حقوقی انتظار می‌رود در عمل ابهاماتی درباره تعارض میان اسناد بنایی شرکت و قوانین آمره با توافقنامه سهام‌داری بروز یابد که تحقیق حاضر متکفل تبیین مصادیق این تعارضات بوده و تلاش می‌کند راه‌حل‌های حل و فصل آنها را مورد توجه قرار دهد و همچنین با تعیین حدود و ثغور مسئله از پرونده زایی در محاکم و هزینه‌های اجتماعی (Social Cost) و هزینه فرصت (Opportunity Cost) که به سهام‌داران و حتی اشخاص ثالث تحمیل می‌گردد جلوگیری به عمل می‌آورد. باتوجه به موارد فوق در نوشتار حاضر ابتدا به زمینه‌های رایج بروز تعارض میان اساسنامه و توافقنامه سهام‌داری که شامل تعارض در نقل و انتقال سهام، حق تقدم، حقوق ممتازه و باز خرید سهام می‌باشد با در نظر گرفتن تجربه کشورهای مختلف می‌پردازیم و سپس ارتباط توافقات سهام‌داران با قوانین آمره حقوق شرکت‌ها را بررسی نموده و سپس به شیوه حل و فصل تعارضات که نظام‌های حقوقی در کشورهای مختلف برای آن در نظر می‌گیرند می‌پردازیم.

۱. تعارض توافقنامه سهام‌داری و اساسنامه شرکت

یکی از موارد مبتلا به که توافقنامه سهام‌داری موثر بر اساسنامه شرکت می‌باشد، در مورد توافقنامه‌هایی است که توسط مؤسسين و قبل از ثبت شرکت تنظیم می‌گردد و این نوع از قراردادها مندرجات اساسنامه را خصوصاً در باب نحوه اداره شرکت پیش‌بینی و تعیین می‌نماید. به طور کلی توافقنامه‌های سهام‌داری موصوف در اساسنامه شرکت منعکس می‌گردد که پس از تصویب آن توسط سهام‌داران در مجامع عمومی در قالب سند اساسنامه اعتبار می‌یابد (Miliauskas, 2013, p.114). حالت دیگر این است که توافقنامه سهام‌داری با اجماع و رأی کلیه سهام‌داران و شرکا منعقد گردد که در حکم اساسنامه بوده و تغییر آن صرفاً وفق قواعد عمومی قراردادها با اراده کلیه اطراف آن می‌تواند صورت پذیرد (Grave, 2005, p.1).

باتوجه به دو حالت فوق، بروز تعارض در چنین توافقاتی منتفی می‌باشد چراکه یا منطبق با اساسنامه شرکت بوده و در صورت تغییر اساسنامه در معرض اصلاح یا تغییر قرار می‌گیرند و یا در حالت دیگر تفوق اراده موخر سهام‌داران است که اساسنامه شرکت باید مطابق با آن اصلاح گردد؛ بدین توضیح که، کلیه سهام‌داران بر انعقاد توافقنامه سهام‌داری تراضی می‌نمایند و این قرارداد به

شکل مستقیم بر شرکت و ارکان آن تأثیر گذار می‌باشد؛ لذا به مثابه مصوبات مجامع عمومی عمل نموده و در صورتی که در تعارض با اساسنامه شرکت قرار گیرد به مانند آن است که مجمع عمومی با تصویب مصوبه‌ای مبادرت به اصلاح اساسنامه نموده و بنابراین اساسنامه شرکت در این قسمت با رعایت تشریفات قانونی اصلاح می‌گردد (Duffy, 2008, pp.8-9).

به همین دلیل است که قانون مدل کسب و کار شرکت‌های تجاری (Model Business Corporation Act (MBCA)) مصوب ۱۹۹۱ آمریکا، در ماده ۷.۳۲، الزامات قانونی مربوط به توافق‌نامه‌های سهام‌داری را به توافقات اجماعی سهام‌داران تسری نمی‌دهد (Kaal, 2017, p.3).

بنابراین تعارضات میان اساسنامه و توافق‌نامه سهام‌داری زمانی رخ می‌دهد که قرارداد موصوف پس از تشکیل شرکت و بین دو یا چند سهام‌دار منعقد شده باشد؛ لذا مسئله این است که مصادیق تعارض بین اسناد موازی در شرکت‌ها چیست و چگونه می‌توان رفع تعارض نمود؟ در پاسخ باید اذعان داشت، حقوق مالی سهام‌داران که وابسته به سهامشان است مانند حق رای‌دادن، حق دریافت سود، حق تقدم سهام‌داران در خرید سهام جدید یا حق انتصاب مدیر و بازرس در اساسنامه شرکت درج می‌گردند؛ اما حقوق دیگر سهام‌داران که وابسته به شخص سهام‌دار بوده و در زمره حقوق مالی وابسته به سهام محسوب نمی‌گردند اصولاً در توافق‌نامه سهام‌داری مورد توافق قرار می‌گیرند (Singleton, 2021, p.306). از طرفی، ممکن است با موردی مواجه باشیم که توافق سهام‌داران در حقوق مثبت مالی مربوط به سهامشان صورت گیرد. در صورت انعقاد توافق‌نامه سهام‌داری بر حقوق ناشی از سهام یا وابسته به شخص سهام‌دار می‌توان شاهد بروز تعارض بود که به مهم‌ترین مصادیق تعارضات توافق‌نامه سهام‌داری با اساسنامه و نحوه حل آنها می‌پردازیم:

۱-۱. تعارض در نقل و انتقال سهام

در حقوق ایران در شرکت‌های سرمایه‌خصوصاً شرکت‌های سهامی و با مسئولیت محدود حسب مواد ۴۱ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ و ماده ۵۲۰ لایحه قانون تجارت مصوب ۱۳۸۴، اصل بر آزادی انتقال سهام است و هر نوع محدودیتی باید در اساسنامه تصریح گردد، اما مسئله اینجاست که اگر در اساسنامه محدودیتی در نقل و انتقال سهام وجود نداشته باشد آیا توافق‌نامه سهام‌داری می‌تواند آن را محدود نماید؟ برای پاسخ به این پرسش قوانین و رویه‌هایی در نظام‌های حقوقی مختلف شکل گرفته است.

در پرونده رانجیرات (v. b. Rangiraj v. b. GopalAkrishnan and Others) مفاد توافق نامه سهامداری واجد دو نوع محدودیت برای انتقال سهام شرکا بود: اول اینکه طرفین حق انتقال سهامشان را فقط به سهامداران موجود داشتند و در حالت دیگر انتقال سهام صرفاً می توانست به یکی از اعضای خانواده سهامداران که در قید حیات بودند صورت پذیرد، اما در اساسنامه محدودیت های فوق برای انتقال سهام گنجانده نشده بود. یکی از سهامداران سهام خود را بر خلاف شروط مندرج در توافق نامه سهامداری انتقال داد و منتهی به بروز اختلاف گردید. دادگاه مقرر داشت: «محدودیت انتقال سهام توسط سهامداران دیگر معتبر است حتی اگر این محدودیت صرفاً در توافق نامه سهامداری قید شده باشد.» به عبارت دیگر دادگاه بدوی شروط مندرج در توافق نامه سهامداری را معتبر دانست، اما دادگاه تجدیدنظر با بیان این استدلال نظر دادگاه بدوی را نقض نمود: «تغییرات و محدودیت هایی که درباره انتقال سهام در قرارداد سهامداران درج می گردد بدون درج در اساسنامه فاقد محمل قانونی است و توافق نامه سهامداری نمی تواند فراتر از اساسنامه عمل نماید.» در ادامه دادگاه عالی بیان نمود: «شروط مندرج در توافق نامه سهامداری که صراحتاً در اساسنامه شرکت تصریح نشده از نقطه نظر قانونی قابلیت اجرایی ندارد.» (Share Holder Agreements and Articles of Association, www.ssrn.com) بدین ترتیب در این پرونده به روشنی نشان داده شد تغییرات و محدودیت هایی که در قرارداد سهامداران قید می گردد در صورت مغایرت با اساسنامه فاقد اعتبار است (Niranjan & Varottil, 2012, pp.5-8).

حکم پرونده رانجیرات مورد توجه قضات دیگر نیز قرار گرفت و رویه ای برای آرای دادگاه های تالی و تفاسیر محاکم گردید؛ لذا بر اساس پرونده رانجیرات توافقات خصوصی سهامداران درباره انتقال سهام، باید در اساسنامه درج گردند و در صورت سکوت اساسنامه امکان توافق در توافق نامه سهامداری وجود ندارد.

در پرونده دیگری در سال ۱۹۹۶ قاضی گوجارا (Gujarah) با در نظر گرفتن اصل آزادی انتقال سهام خصوصاً در شرکت های سهامی، محدودیتی که سهامداران در انتقال سهام برای خود در توافق نامه سهامداری منظور نموده بودند را مردود دانست و بیان داشت با توجه به اینکه اصل فوق از اصول آمره ای است که در قانون تبیین گردیده است؛ لذا هیچ کس نمی تواند خلاف مفاد قانون آن را از خود سلب و ساقط نماید. در سال ۲۰۰۵ دادگاه عالی دهلی (Delhi High Court) نیز پرونده های فوق را مورد تأیید قرار داد و بیان نمود: محدودیت هایی که در اساسنامه و شرکت نامه

در مورد انتقال سهام گنجانده نشده باشند با توجه به قانون شرکت‌ها نامعتبر بوده و وفق اصل آزادی انتقال سهام در هر صورت باطل می‌باشند.

گاه برای حل تعارض میان اساسنامه و توافق‌نامه سهام‌داری مفادی در توافق‌نامه سهام‌داری با این مضمون درج می‌شود که قرارداد منعقد از قوانین آمره تخطی ننموده و آنها را نقض نمی‌کند؛ برای نمونه می‌توان به پرونده وان هور (I Vanhore Partners v Newmont Min.corp) اشاره نمود که در پرونده مزبور طرفین توافق بر انعقاد توافق‌نامه سهام‌داری به شکل مستقل (Standstill) از اساسنامه نموده و همچنین در ضمن قرارداد منعقد تعهد بر عدم نقض قانون دلور (Delaware General Corporation Law) و اصول کلی حقوق تجارت و اساسنامه شرکت نمودند. در عین حال، حتی در صورت تصریح به این امر در توافق‌نامه سهام‌داری، ممکن است تعارض با قوانین آمره و اساسنامه رخ دهد و تصریح به عدم امکان تخطی مزبور امکان وقوع چنین تعارضی و عدم اعتبار آن را مرتفع نمی‌سازد.

۱۹۱

با وجود آنچه گفته شد عدم اعتبار شروط توافق‌نامه سهام‌داری برای انتقال سهام تنها بین اشخاص ثالث مورد نظر است و توافق‌نامه مذکور بین طرفین آن اعتبار دارد. در این باره می‌توان به پرونده ودفون (Voda Fone International Holdings B. V Union of India & amp) اشاره کرده که در آن مقرر شده است در صورت عدم تعارض میان مفاد توافق‌نامه سهام‌داری با اساسنامه، سهام‌داران می‌توانند مبادرت به انعقاد توافق‌نامه سهام‌داری نمایند. با وجود این محدودیت‌های درج شده در توافق‌نامه سهام‌داری درباره انتقال سهام، حتی در صورت سکوت اساسنامه، الزام آور نیست. در نهایت، دادگاه عالی در این پرونده مقرر داشت: «محدودیت‌های درج شده در توافق‌نامه سهام‌داری [درباره انتقال سهام] خواه مطابق با حقوق شرکت‌ها باشند یا خیر تنها زمانی قابلیت اجرا دارد که در اساسنامه تصریح شده باشند، اما طرفین توافق‌نامه سهام‌داری می‌توانند به دلیل نقض هر تعهدی که مغایر با قانون باشد مطالبه خسارت نمایند (Fan, 2019, p.14).

بنابراین برای حل تعارض میان اساسنامه و توافق‌نامه سهام‌داری توجه به عدم تخطی مفاد توافق‌نامه سهام‌داری از قوانین آمره و چارچوب تعیین شده در اساسنامه ضرورت دارد چه به این امر در قانون تصریح شده باشد یا خیر. به طور کلی، در باب رفع تعارضات مربوط به انتقال سهام، به طور کلی می‌توان دو دسته از کشورها را در نظر گرفت کشورهایی که مبادرت به قانون مند نمودن توافق‌نامه سهام‌داری نموده و نظام‌های حقوقی که در باب آن قانونگذاری ننموده‌اند.

در حقوق کشورهایمانند اتریش، سوئیس و آلمان درباره توافقنامه سهامداری قانونگذاری نگردیده و اصل حاکمیت اراده در چارچوب قوانین آمره و اساسنامه بر موضوع حاکم است، اما در نظام‌های حقوقی دیگر مانند ایتالیا، بلژیک، دانمارک و امریکا که مبادرت به قانونگذاری توافق‌نامه‌های سهامداری نموده‌اند وضع متفاوتی می‌باشد؛ برای مثال در دانمارک وفق ماده ۸۲ قانون شرکت‌ها (Section 82 of Companies Act 2010) محدودیت‌های انتقال سهام در شرکت‌های اشخاص در توافق‌نامه سهامداری قید گردیده و معتبر می‌باشند (Mock et al., 2018, p.229). در امریکا نیز محدودیت‌های ذکر شده در توافق‌نامه سهامداری به رسمیت شناخته شده است. در این‌باره در پرونده شیلدز (Shields v Shields) مقرر گردید که وفق قوانین دلتور توافق‌نامه‌های سهامداری می‌توانند با موضوع فروش اجباری سهام منعقد گردند (Kaal, 2017, p.8). در حقوق ایتالیا نیز بند ۵ ماده ۱۲۲ قانون سی ال اف (Consolidated Law on Finance or CLF) بیان می‌دارد توافق‌نامه‌های سهامداری به هر شکل که انعقاد یابند در شرکت‌های بورسی قابل اعمال می‌باشند. علاوه بر این بند ۵ ماده فوق اعمال محدودیت بر انتقال سهام را نیز که در توافقات سهام‌داران درج شده باشد، مجاز برمی‌شمرد (Mock et al., 2018, p.423).

در حقوق ایران نیز باتوجه به عدم صراحت قانونی در مورد توافق‌نامه سهامداری، اصل حاکمیت اراده در چارچوب قوانین آمره و اساسنامه بر موضوع حاکم است اما شایسته است قانونگذار در لایحه قانون تجارت ۱۳۸۴ حدود مسئله را مانند نظام‌های حقوقی امریکا، ایتالیا، دانمارک مورد توجه قرار دهد؛ بنابراین در صورت تصریح قانونی می‌توان محدود کردن انتقال سهام را از طریق توافق‌نامه سهامداری پذیرفت. چراکه تعارضی که در مورد انتقال سهام رخ می‌دهد همانگونه که در حقوق کشورهای فوق مورد بررسی قرار گرفت صرفاً تعارض ظاهری بوده و با وضع قانون و تصریح در آن می‌توان از بروز تعارض اجتناب نمود.

۱.۲. تعارض در اعمال حق تقدم (Pre-Emption Rights) سهام‌داران

از موارد دیگری که می‌تواند منتهی به بروز تعارض میان اساسنامه و توافق‌نامه سهامداری گردد حق تقدم می‌باشد. حق تقدم حقی است موقت که پس از گذشت مدت زمان مقرر قانونی از بین می‌رود. اساس و بنیان حق تقدم، در جهت تضمین سه حق اصلی سهام‌داران یعنی حق رای، حق سود و حق دریافت دارایی در زمان انحلال شرکت می‌باشد (صادقی و زرعی، ۱۳۹۹، ص ۱۸۵).

مواد ۸۹ تا ۹۶ قانون شرکت‌ها مصوب ۱۹۸۵ انگلستان (Company Act Section 89-96) در این باره مقرر می‌دارد: هر گاه شرکت بخواهد از طریق انتشار سهام مباردت به افزایش سرمایه نماید باید ایجاب خرید سهام جدید ابتدا به سهام‌داران حاضر در شرکت به عمل آید و سهام‌داران به نسبت سهامی که مالک می‌باشند در خرید سهام جدید حق تقدم دارند. هر چند در بادی امر این مقرر به نفع سهام‌داران به نظر می‌رسد اما در عمل و از منظر اقتصادی این حق می‌تواند به شکل ناکارآمد عمل نماید. چراکه در حقوق تجارت مدرن، زدودن تشریفات دست و پاگیر و اصل سرعت، دارای اهمیت بوده و مورد توجه است؛ لذا با دیدی عمیق تر، وجود این حق الزاما به نفع سهام‌داران در شرکت عمل نمی‌نماید. دپارتمان صنعت و تجارت (Department of Trade and Industry) در انگلستان نیز موضوع را مورد بررسی قرارداد و در گزارشی که در فوریه ۲۰۰۵ منتشر نمود تغییر به سمت انعطاف‌پذیری بیشتر در بحث حق تقدم سهام‌داران را جایز برشمرد و پیشنهاد نمود که حقوق شرکت‌ها باید تشریفات و قوانین نا کارآمد را حذف نموده و مواردی مانند حق تقدم سهام‌داران باید به ضرورت‌های بازار و انبساط شود (Vitali, 2005, pp.12-13).

علاوه بر پیشنهادات فوق همچون اصلاح قوانین یا نیروی بازار یکی از روش‌های جایگزین که با صرف مدت زمان و هزینه کمتر می‌تواند حق تقدم را تا حدود زیادی تعدیل نماید در آن در قراردادهای جانبی همچون توافق نامه سهام‌داری است، اما سوالی که مطرح می‌گردد، در صورت پیش‌بینی حق تقدم یا سلب آن در اساسنامه، توافقات سهام‌داران می‌تواند بر خلاف مفاد اساسنامه منعقد گردد؟

برای پاسخ به این پرسش در درجه اول باید ماهیت و فلسفه وجودی این حق را مورد بررسی قرار دهیم. هدف اصلی حق تقدم حمایت از حقوق سهام‌داران در زمان افزایش سرمایه توسط شرکت می‌باشد. در بیان اینکه چرا باید از حقوق سهام‌داران موجود شرکت در خلال افزایش سرمایه حفاظت کرد دلایل متعددی عنوان شده است از جمله اینکه سهام‌داران برای اولین بار با توافق به نسبت قراردادی سهام خود به کل سهام، وارد شرکت می‌شوند و با افزایش سرمایه این نسبت قراردادی به هم می‌خورد؛ بنابراین حق تقدم تا حدودی قدرت کنترل بر ساختار مالی شرکت به سهام‌داران اعطا میکند.

همچنین افزایش سرمایه و فروش سهام جدید درصد مالکیت سهام‌داران را کاهش می‌دهد. زمانی که شرکت به کل سهام‌داران موجود خود اجازه خرید سهام جدید ناشی از افزایش سرمایه را

می دهد مانع از این می گردد که سهام داران اقلیت بخشی از سرمایه خود را از دست بدهند و سهام داران اکثریت که غالباً کنترل شرکت را به دست دارند سهام اضافی شرکت را به قیمت پایین به دست بیاورند. در حقیقت، در صورت عدم وجود حق تقدم ممکن است اداره کنندگان داخلی شرکت با ارایه سهام به زیر قیمت بازار به اشخاصی که با آنها ارتباط دارند یا حتی به خودشان مانع از خرید سهام جدید توسط سهام داران اقلیت شوند. تقلیل و یا رقیق شدن درصد مالکیت سهام داران در نتیجه صدور سهام جدید، اساساً به معنای کاهش درصدی، کاهش ارزش اقتصادی سهام سهام داران یا هردو مورد بوده و حق تقدم ابزار مناسبی جهت جلوگیری از کاهش درصدی می باشد. کاهش درصدی با صرف صدور سهام جدید رخ می دهد و بر درصد مالکیت دارایی های سرمایه گذار اثر می گذارد و در این میان حقوقی که به نسبت درصد مالکیت سهام داران تخصیص می یابند از جمله حق رای، حق دریافت سود، حق دریافت اموال شرکت پس از تصفیه را تحت تأثیر قرار می دهد (صادقی و زرعی، ۱۳۹۹، ص ۱۸۶).

در حقوق ایران مواد ۱۶۶ الی ۱۷۲ لایحه اصلاح قانون تجارت به مبحث حق تقدم اختصاص یافته است. این قانون صراحتاً در ماده ۱۶۶ حق تقدم را به عنوان یکی از حقوق مالی وابسته به سهام به رسمیت شناخته است، اما ماهیت حق تقدم و مبنای اختیار مجمع عمومی فوق العاده در سلب حق تقدم همچنان مبهم باقی مانده است. همچنین وفق ماده ۱۶۷ لایحه اصلاح قانون تجارت حق تقدم بنا بر مصوبه مجمع عمومی قابل سلب از سهام داران است. و این خود می تواند باعث بروز مسئله در روابط بین سهام داران و شرکت گردد چراکه حق تقدم تضمین کننده حقوق سهام داران اقلیت است در حالی که سهام داران عمده و مدیران شرکت به دنبال محدودسازی این حق می باشند (حسینی و محمدی، ۱۳۹۹، ص ۱۸۱۷).

به منظور حل و فصل مسئله فوق با استفاده از توافق نامه های سهام داری راجع به اصل حق رأی یا شیوه خاص رأی گیری در مجامع عمومی یا توافق نامه های سهام داری مربوط به اداره شرکت، سهام داران می توانند از سلب حق تقدم خود در خرید سهام جدید در موارد افزایش سرمایه شرکت توسط مجمع عمومی جلوگیری نمایند. پیشنهاد فوق توسط متخصصین عالی مرتبه حقوق تجارت در گزارش تهایی در سال ۲۰۰۲ نیز مورد توجه قرار گرفته است: «شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار می توانند از طریق مصوبات مجامع عمومی اختیار محدود کردن یا صرف نظر نمودن از حق تقدم سهام داران را به هیات مدیره اعطا نمایند.» روشن است که همین پیشنهاد

از طریق توافق نامه سهامداری نیز قابل اعمال است و همان کارکرد مصوبه مجامع عمومی را خواهد داشت (Vitali, 2005, p.13).

بنابراین باتوجه به موارد مذکور مهم ترین نقشی که توافق نامه سهامداری در جهت حمایت از حقوق سهامداران بالاخص سهامداران اقلیت ایفا می کند تضمین حق تقدم ناشی از سهامشان می باشد.

از نمونه های بارز حق تقدمی که برای سهامداران اقلیت در توافق نامه های سهامداری پیش بینی گردیده شروط مربوط به Tag-Along (شرایط مشابه) و Drag-Along (همراه با یک معامله) می باشد. شروط مربوط به شرایط مشابه، شروطی هستند که به نفع سهامداران اقلیت در توافق نامه های سهامداری درج گردیده و این مجوز را به آنها می دهد که سهامشان را با همان شرایط و قیمتی که سهامداران اکثریت واگذار نموده اند به فروش رسانند. شروط همراه با یک معامله واحد، شروطی می باشند که بر مبنای آن سهامداران اکثریت همراه با سهامداران اقلیت ضمن یک معامله سهام خود را واگذار می نمایند و معمولاً در شرایطی ایجاد می گردد که شخص ثالثی بخواهد با خرید سهام سهامداران اکثریت، سهام داران اقلیت را کنترل نماید. شروط موصوف که از مصادیق حق تقدم می باشند معمولاً در توافق نامه های سهامداری درج می گردند (Singleton, 2021, pp.301-302).

در برخی از نظام های حقوقی که مبادرت به وضع قانون در باب توافق نامه سهامداری نموده اند، درج شروط مربوط به حق تقدم در قرارداد موصوف صراحتاً مد نظر قانونگذار قرار گرفته است؛ برای مثال وفق بند ۵ ماده ۱۲۲ قانون سی ال اف ایتالیا توافقات سهامداران گستره وسیعی را شامل گردیده و در صورت وجود دو شرط ذیل قابلیت اجرایی دارند: اول اینکه توافقات سهامداران مقید به مدت زمان سه تا پنج ساله باشد و دیگر اینکه صرفاً در مورد اطراف توافق نامه موثر و واجد اثر می باشند؛ بنابراین توافقات سهامداران در مورد شروط مشابه و شروط ضمن یک معامله در ایتالیا پذیرفته گردیده است (Mock & Csach, 2018, p.432). در قانون دانمارک نیز باتوجه به ماده ۶۷ قانون شرکت ها در باب حق تقدم و باتوجه به اینکه در سال ۲۰۱۱ مشخص گردید ۹۷ درصد از توافق نامه های سهامداری منعقد در آن کشور با موضوع حق تقدم منعقد می گردند، ماده ۸۲ آن قانون شروط مذکور در توافق نامه های سهامداری در باب حق تقدم را بدون توجه به اساسنامه دارای قابلیت اجرایی می داند (Mock & Csach, 2018, p.231).

در حقوق امریکا (قسمت سوم بند ب ماده ۱۰۲ قانون دلور) نیز حق تقدم سهامداران محصول قانون، اساسنامه و رویه قضایی می‌باشد و وفق ماده ۳۰، بند ۶ قانون نمونه MBCA (Model Bus Corp Act)، در آن کشور اصل بر وجود حق تقدم می‌باشد مگر آنکه اساسنامه صراحتاً آن را انکار نموده باشد که وفق قانون فوق در این حالت نمی‌توان برخلاف اساسنامه در قالب توافقنامه سهامداری توافق نمود (Kaal, 2017, p.9).

در حقوق ایران نیز قواعد مربوط به حق تقدم که در ماده ۱۶۶ ل. ا. ق. ت مصوب ۱۳۴۷ بیان گردیده است جنبه آمره دارد و نمی‌توان در اساسنامه خلاف آن را پیش‌بینی کرد (اسکینی، ۱۳۸۱، ص ۲۵۵)، اما در خصوص چگونگی، تشریفات و مراحل اسقاط حق تقدم، قانون تجارت ایران ساکت است؛ در لایحه قانون تجارت مصوب ۱۳۸۴ نیز قانونگذار در ماده ۶۴۵، حق تقدم را پیش‌بینی نموده است اما ظرف مهلت یک ماهه از سوی دارنده حق تقدم آن را قابل واگذاری دانسته است که می‌تواند موضوع توافق‌نامه سهامداری قرار گیرد؛ همچنین، در ماده ۶۴۹ لایحه قانون تجارت ۱۳۸۴ حق مزبور را از سوی مجمع عمومی فوق العاده قابل سلب دانسته است.

استفاده از تجربه‌های کشورهای دیگر در باب استفاده از توافق‌نامه‌های سهامداری می‌تواند به دو شکل عمل نماید از سویی باتوجه به اصل آزادی اراده، حق تقدم مانند سایر حقوق سهامداران قابل اسقاط است که اسقاط آن می‌تواند در ضمن توافق‌نامه سهامداری صورت پذیرد؛ و در لایحه ۱۳۸۴ نیز بدان اشاره گردیده است؛ در این صورت پس از اسقاط این حق توسط سهامداران شرکت می‌تواند اقدام به فروش حق تقدم استفاده نشده نماید (شهیدی و زرعی، ۱۳۹۷، ص ۴۳) از سویی دیگر توافق‌نامه سهامداری با درج شروط مربوط به حق تقدم مانند Tag-Along و Drag-Along در راستای حمایت از حقوق سهامداران منعقد گردیده و واجد جنبه اجرایی می‌باشد لذا از ابهامات قانونی لایحه اصلاح قانون تجارت سال ۱۳۴۷ کاسته و از سو استفاده مدیران یا سهامداران اکثریت در سلب حق تقدم سهامداران اقلیت جلوگیری به عمل می‌آورد؛ از همین رو پیشنهاد می‌شود موارد فوق در لایحه قانون تجارت مصوب ۱۳۸۴ مدنظر قانونگذار قرار گرفته و نسبت بدان تصریح نماید.

۱.۳. تعارض در امتیازات سهام ممتاز (Class of Shares)

از اصول حاکم بر شرکت‌های سهامی، تساوی حقوق سهامداران می‌باشد؛ فلسفه وجودی این

اصل در رابطه با منع سواستفاده مدیران یا سهامداران اکثریت از اختیارات مصرحه در حقوق شرکت‌ها است، اما در حقوق کشورهای مختلف این اصل مطلق نبوده و استثنائاتی برای آن در نظر گرفته شده است (بهرامی، ۱۳۹۰، ص ۳۵)؛ برای مثال در حقوق سوییس اصل تساوی به شکل مطلق نبوده بلکه در موارد ضروری برای ادامه هدف شرکت که به نفع کلیه سهامداران باشد از آن استفاده می‌گردد. در قوانین کشورهای مختلف من جمله انگلستان و حتی ایران برای شرکت این اختیار پیش‌بینی گردیده است که انواع مختلفی از سهام را منتشر و حقوق و مزایای خاصی را برای آنها تعریف نماید. به سهامی که دارای حقوق و مزایای خاصی باشند سهام ممتاز گفته می‌شود؛ در واقع سهام ممتاز انعطافی در برابر اصل تساوی سهامداران در قانون و اساسنامه می‌باشد. امتیازات سهام ممتاز اصولاً در نظام‌های حقوقی مختلف در اساسنامه شرکت مورد تشریح قرار می‌گیرند.

برای نمونه در پرونده اندرو (Andrew v Gasmeter) دادگاه مقرر داشت حقوق سهامداران و مزایای تعلق گرفته به سهام آنان صرفاً باید در سند اساسنامه تبیین گردد و در واقع صدور سهام ممتاز را به شرط تصریح در اساسنامه به رسمیت شناخت (Vitali, 2005, p.17).

در کنار سند اساسنامه توافق نامه‌های سهامداری نیز می‌توانند از موجبات ایجاد سهام ممتاز برای سهامداران در شرکت باشند.

کشور انگلستان با توجه به تبیین فروعات مسئله در رویه قضایی پیشگام به رسمیت شناختن و اعتبار دادن به توافقات سهامداران در خصوص سهام ممتاز بود.

از نمونه پرونده‌هایی که به استفاده از توافق نامه سهامداری برای ایجاد یا تغییر در امتیازات سهام ممتاز اشاره شده است، پرونده گروه شرکت بی ام ال (bmL Group v Harman and an Otherca) (8 april 1994) است. این پرونده مربوط به شرکتی بود که سهامدارانش دارای دو گروه سهام، سهام گروه الف و گروه ب بودند و سهامدار ب هم‌زمان از سهامداران ممتاز و مدیر شرکت نیز محسوب می‌شد. در شرکت موصوف بین صاحبان سهام، در توافق نامه سهامداری شرطی با این مضمون وجود داشت: مجمع در صورتی به حد نصاب می‌رسد که شخص ب یا نماینده او در مجمع مزبور حاضر باشد و بدین سان شرط موصوف موجد حقوق ممتاز برای شخص ب بود. در نهایت، جلسه مجمع بدون حضور شخص ب تشکیل گردید و وفق مصوبه مجمع، نامبرده از مدیریت شرکت عزل شد و به همین دلیل نسبت به آن اعتراض و مبادرت به طرح دعوی نمود. دادگاه تجدید نظر عنوان نمود که عزل مدیر نقض حقوق سهام ممتاز است که توسط توافق نامه سهامداری به

وی اعطا گردیده است و بنابراین نمی‌توان از مواد قانون شرکت‌ها استفاده و عزل مدیر را به رسمیت شناخت و لذا تصمیم مجمع فاقد اعتبار است. در نهایت دادگاه عالی نیز حقوق ممتازهای را که توسط توافق‌نامه سهام‌داری اعطا گردیده بود به رسمیت شناخت.

نمونه دیگر پرونده روزنامه کوم برلیان^۱ است که در آن، مقرر شد «حقوق خواهان به عنوان سهام‌دار بدون رضایت وی نمی‌تواند دست‌خوش تغییر و دگرگونی شود چراکه اینها از مزایای سهام ممتازه بوده و به دارندگان خود مزایای خاص اعطا می‌نمایند.» همچنین در ادامه قاضی سه نوع تقسیم‌بندی برای سهام ممتازه بر شمرده: اول، حقوقی که متصل و ضمیمه سهامی خاص می‌باشند و دوم، حقوق و مزایایی که به اشخاصی غیر از سهام‌داران اعطا می‌گردند و سوم، حقوق و مزایایی که متصل به سهام خاصی نیست اما بر مبنای تخصص و شایستگی سهام‌دار به او اعطا می‌گردد. در پرونده حاضر سهام ممتازه منطبق بر وجه سوم بوده و در راستای منافع اعضا و سهام‌داران شرکت اعطا می‌شوند و البته اجرای این حقوق و مزایا بستگی به میزان مالکیت سهام موصوف دارد و نیازمند مالکیت حداقل ۱۰ درصد سهام این شرکت است. قاضی در ادامه بیان می‌دارد که سهام مزبور صرفاً در برگیرنده مزایا نمی‌باشند بلکه تعهدات شرکا را هم در برمی‌گیرند؛ برای مثال در پرونده ری فیلد تعهد مدیران بر خرید سهام سهام‌دارانی بود که سمت مدیریت شرکت را نداشتند و این تعهد لازم‌الاجرا بود.

در پرونده واتسون (Union Music Ltd v Watson) نیز خواهان، مالکیت ۵۱ درصد از سهام شرکت آریاس (Arias) و آقای واتسون مالکیت ۴۹ درصد از سهام آن شرکت را دارا بود. مندرجات توافق‌نامه سهام‌داری حاکی از آن بود که شرکت آریاس قادر به برگزاری هیچ مجمع یا تصویب معامله‌ای بدون حضور واتسون نباشد. خواهان و خواننده هر دو از مدیران شرکت بودند و بعد از آنکه روابط آنها دچار مشکل گردید واتسون تهدید نمود که در هیچ مجمعی حاضر نمی‌گردد و خواهان وفق ماده ۳۷۱ قانون شرکت‌های انگلستان مصوب ۱۹۸۵ برای تشکیل جلسه مجمع عمومی شرکت آریاس مبادرت به طرح دعوی نمود. همچنین خواهان از دادگاه درخواست نمود تا دستور دهد که مجمع تشکیل شده بدون حضور واتسون نیز قانونی باشد. دادگاه تجدید در این باره مقرر کرد: تشکیل مجمع برای انتخاب یک مدیر جدید قانونی است حتی اگر واتسون در آن حضور

1. Cumbrian Newspaper Group Ltd V Cumberland & Westmorland Heard Newspaper & Printing Co Ltd.

نداشته باشد. استدلال دادگاه تجدیدنظر بر پایه تفسیر شرط مندرج در توافق نامه سهامداری بود که مقرر می‌داشت: توافق نامه مزبور در صدد ایجاد مزایای خاص برای خواننده نبوده است؛ بنابراین تشکیل مجمع با حضور خواهان تغییر در امتیاز سهام ممتازه محسوب نمی‌گردد. در این پرونده قاضی اسکات، تفسیر موسع سهام ممتازه و منع تغییر در امتیاز مربوط به آن را به چالش می‌کشد. به همین جهت حتی با پیش‌بینی سهام ممتازه در اساسنامه و تشریح امتیازات آن، توافق نامه سهامداری و اراده سهام‌داران در حقوق انگلستان مقدم بر اساسنامه عمل می‌نماید (Vitali, 2005, pp.22).

(31).

علاوه بر انگلستان در قانون امریکا و ایتالیا و دانمارک نیز می‌توان بر خلاف مفاد اساسنامه یا در صورت سکوت آن در موضوع سهام ممتازه توافق نامه سهامداری منعقد نمود چراکه قوانین مربوط به سهام ممتازه از نوع قانون آمره نمی‌باشد، اما در حقوق آلمان حتی اگر تمامی سهام‌داران نیز از اطراف توافق نامه سهامداری بوده و در مجمع با اعمال حق رأی خود مبادرت به تصویب سهام ممتازه بر خلاف اساسنامه یا سکوت اساسنامه نمایند بر مبنای تصمیم دادگاه فدرال "ریچ (Supreme Court of German Reich)" تصمیمات آنها قابل ابطال می‌باشد (Roth, 2013, pp.3).

(4).

در حقوق ایران تنها استثنای اصل تساوی، صدور سهام ممتازه، موسس و انتفاعی است و در ماده ۴۲ لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ سهام ممتازه پیش‌بینی گردیده است و در ماده ۸ ل. ا. ق. ت. در بند ششم آن در تنظیم طرح اساسنامه نیز این اختیار به شرکت اعطا گردیده که سهام ممتازه را پیش‌بینی نماید. در لایحه قانون تجارت مصوب ۱۳۸۴ در ماده ۵۱۰ نیز ترتیب‌دادن سهام ممتازه به موجب اساسنامه مجاز می‌باشد و حسب ماده ۵۷۰ قانون اخیر الذکر صدور سهام ممتازه یا تغییر در امتیاز آن منحصر در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می‌باشد. این مزایا می‌تواند شامل حق رأی بیشتر، کما اینکه در ماده ۵۱۶ آن قانون بدان اشاره گردیده است، بازگشت سرمایه، دریافت سود بیشتر و نحو این‌ها باشد. آنچه که از موارد اشعاری برمی‌آید این است که شرکت در اعطای هر گونه امتیاز با رعایت مقررات این قانون دارای محدودیت نمی‌باشد. هر چند ترتیب‌دادن این سهام خلاف اصل تساوی سهام‌داران بوده و برای اجتناب از آسیب، مزایای مربوط به آن باید به وضوح تصریح گردد اما تصریح و شفاف نمودن امتیازات آن از مضرات و ابهامات قانونی نمی‌کاهد و همچنین بر خلاف توجیهی که برای فلسفه ایجاد آن می‌آورند صرفاً به نفع سهام‌داران نیز عمل

نمی‌کند بلکه می‌تواند مضر به حقوق سهام‌داران اقلیت باشد (بهرامی، ۱۳۹۰، ص ۳۸—۴۰). تنظیم توافق‌نامه سهام‌داری بین سهام‌داران اقلیت برای محافظت در برابر سهام‌داران دارای حقوق ممتاز می‌تواند به عنوان روش جایگزینی برای پوشاندن خلأ قانونی و حفظ حقوقشان باشد چراکه در حقوق شرکت‌ها قاعده اکثریت حکمفرما می‌باشد. همچنین باتوجه به قوانین کشورهای انگلستان، ایتالیا و دانمارک استفاده از توافق‌نامه‌های سهام‌داری در صورت سکوت اساسنامه یا حتی مغایر با مفاد اساسنامه نیز به دلیل آمره نبودن آن می‌تواند در ترتیب‌دادن این نوع از سهام یا تغییر در مزایای آنها موثر و لازم الاجرا باشد و تعارضی که در اینجا به وقوع می‌پیوندد از نوع تعارض ظاهری بوده که قانونگذاران آن کشورها با تدوین قوانین در راستای حل مسئله از آن رفع ابهام نموده‌اند و لذا به قانونگذار ایران نیز پیشنهاد می‌گردد در باب این موضوع و زدودن ابهام مبادرت به وضع قانون نماید.

۱.۴. تعارض در سهام قابل بازخرید (Redeemable Shares)

سهام قابل بازخرید به سهامی اطلاق می‌گردد که با این پیش شرط منتشر می‌شوند که در مدت مشخص، مثلاً پنج سال پس از تاریخ صدور و با قیمت مشخص از سوی شرکت بازخرید شوند. برخی از حقوقدانان، سهام قابل بازخرید را از انواع سهام ممتاز می‌دانند زیرا سهام عادی دارای هیچ شرط خارجی نیست و در نتیجه هر شرطی که نسبت به یک سهم وارد شود حتی اگر در عمل به نفع مالک سهم نباشد را سهام ممتاز می‌نماید؛ اما باید توجه داشت شرکت در انتشار سهام ممتاز و سهام قابل باز خرید اهداف متفاوتی را دنبال می‌نماید؛ هدف اولیه باز خرید سهام شرکت، کاهش تعداد سهام آن است که تبعاً موجب افزایش سود متعلق به هر سهم می‌شود. به عبارت دیگر عنوان سهام قابل بازخرید، می‌تواند به عنوان یک ابزار مفید و سودمند برای قانونمند نمودن روابط خاص میان شرکت و سهام‌دارانش به عنوان تضمین ثبات شرکت عمل نماید؛ برای مثال صاحبان برخی از سهام ممتاز که بعضی از امور و وظایف فرعی در شرکت را بر عهده دارند در صورت تخطی و استتکاف از ایفای وظایفشان، سهامشان بازخرید می‌گردد (Griffin, 2006, p.165). همچنین سهام‌های قابل بازخرید می‌تواند یک ابزار مفید و سودمند برای کنترل گروهی از مالکین سهام باشد. در شرکت‌های اشخاص نیز سهام قابل بازخرید می‌تواند مانعی برای خروج یک شریک یا سهام‌دار باشد خصوصاً شریکی که قسمت عمده سرمایه را تامین نموده است. همین‌طور در شرکت‌های عمومی سهام قابل باز خرید می‌تواند راه حلی در برابر تصاحب شرکت یا هر نوع

تصاحب و سلطه‌ای که مورد موافقت هیات مدیره قرار نمی‌گیرد، باشد.

شرایط صدور سهام بازخريد در اساسنامه شرکت تعيين می‌شود و در صورتی که در اساسنامه به آن اشاره‌ای نشده باشد توسط مجمع عمومی مشخص می‌گردد. در قانون شرکت‌های انگلستان مصوب ۲۰۰۶ به استناد بند الف ماده ۶۸۴ امکان صدور سهام قابل بازخريد مورد پذیرش قرار گرفته است و مطابق با تصريح ماده ۶۸۵ این قانون، شرایط بازخريد سهام باید در اساسنامه یا مصوبه مجمع عمومی شرکت تعيين شود. در حقوق ایران در خصوص سهام قابل بازخريد در وهله نخست ممنوعیت ماده ۱۹۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت سال ۱۳۴۷ به چشم می‌خورد. این ماده که به پیروی از قانون فرانسه در همان زمان است، خرید سهام توسط خود شرکت را با هدف حفظ حقوق اشخاص ثالث بوده ممنوع کرده است که البته این هدف به طور کامل محقق نمی‌گردد؛ چراکه خرید سهام شرکت‌های مادر توسط شرکت‌های وابسته که شخصیت حقوقی مستقل دارند بلامانع است.

۲۰۱

یکی از مصادیق رایج این امر، امکان بازخريد سهام توسط شرکت به منظور استهلاک آن هست. استهلاک سهام که قانون‌گذار از آن به استهلاک سرمایه تعبیر کرده است جز در مواردی که شرکت اوراق قرضه منتشر نموده است کاملاً مجاز و امکان پذیر است. البته ماهیت بازخريد سهام در اینجا متفاوت است؛ زیرا مالکیت سهام به شرکت منتقل شده و شرکت به عنوان مالک سهم، آن را تحت عنوان سهام خزانه نگه‌داری می‌کند و در زمانی دیگر نسبت به فروش سهام خزانه اقدام می‌نماید. در برخی کشورها برای سهام خزانه سقف تعیین شده است و شرکت بیش از حد معینی نمی‌تواند سهام خزانه داشته باشد. در سال‌های اخیر قانون‌گذار با توجه به ضرورت‌های مالی و الزامات مدیریتی امکان بازخريد سهام شرکت را در قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴ مورد پذیرش قرار داده است^۱ (بهشتی و اسکینی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۳۱-۱۳۷).

رویکرد کلی نظام‌های حقوقی این است که به سهام خزانه هیچ حقوقی مانند حق رای، حق

۱. در بند ب از تبصره ۵ ماده ۲۸ این قانون مقرر شده است که شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و بازارهای خارج از بورس می‌توانند بر اساس میزان سهام شناور خود در هر یک از بازارهای مذکور و براساس مقرراتی که با پیشنهاد سازمان بورس و اوراق بهادار به تصویب شورای عالی بورس اوراق بهادار می‌رسد تا سقف ده درصد از سهام خود را خریداری و تحت عنوان سهام خزانه در شرکت نگه‌داری کنند.

دریافت سود و سرمایه تعلق نمی‌گیرد. کما اینکه در نظام حقوقی ایران در قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور به اختصاص یا عدم اختصاص سود به سهام خزانه تصریح نگردیده است. علاوه بر موارد فوق در حقوق انگلستان برای سهام خزانه حق تقدم نیز در نظر گرفته نمی‌شود و ماده ۵۷۳ قانون شرکت‌های انگلستان مصوب ۲۰۰۶ بدان تصریح می‌نماید.

بررسی موارد بالا و حقوق مربوط به سهام خزانه در بحث مجوز انعقاد یا عدم انعقاد توافق نامه سهام‌داری نسبت به بازخرید سهام و حقوق مربوط به آن مطرح می‌گردد. در حقوق انگلستان در مورد نحوه ترتیب‌دادن سهام قابل باز خرید دو رویکرد به چشم می‌خورد. از یک منظر باتوجه به اینکه مالکان و سرمایه‌گذاران شرکت سهام‌داران آن می‌باشند لذا تصمیم در مورد باز خرید سهام باید توسط آنان در مجمع عمومی و با انعقاد توافق نامه سهام‌داری صورت پذیرد. برخی دیگر نیز معتقدند که باتوجه به ماده ۱۶۰ حقوق شرکت‌های انگلستان مصوب ۱۹۸۵ باز خرید سهام صرفاً به موجب اساسنامه مجاز است که البته این ماده نیز به دو شکل موسع و مضیق مورد تفسیر قرار می‌گیرد. در تفسیر موسع این اختیار توسط اساسنامه به هیات مدیره تفویض می‌گردد و در تفسیر مضیق صرفاً اساسنامه زمان و شرایط را پیش‌بینی می‌کند که البته تفسیر اخیر با انتقادات متعدد مواجه گردیده است (Vitali, 2005, pp.39-40).

سهام قابل باز خرید در ماده ۲۴۳۷ قانون شرکت‌های ایتالیا نیز ذکر گردیده است. هر چند در ماده مزبور به شکل قطعی و دقیق معین نگردیده است چه کسی اختیار باز خرید سهام را دارا می‌باشد اما تفسیر تحت اللفظی که از ماده فوق صورت می‌پذیرد آن را مربوط به شرکت و سهام‌داران می‌داند. همچنین در ماده فوق بیان گردیده است باز خرید سهام باید در اساسنامه شرکت پیش‌بینی شده باشد و مدیران نیز صلاحیت تعیین و اعمال شرایط پیش‌بینی شده را دارا می‌باشند. هر چند در ماده ۲۴۳۷ قانونگذار اذعان می‌دارد سهام‌داران در تعیین شرایط این سهام‌دارای آزادی عمل می‌باشند اما به دلیل ترجیح اساسنامه و عدم پیش‌بینی توافق نامه سهام‌داری قانون ایتالیا در اینجا منعطف عمل نمی‌نماید (Mock & Csach, 2018, p.445).

در حقوق ایران باتوجه به ممنوعیت ماده ۱۹۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت شاید این امر به ذهن متبادر گردد که انعقاد توافق نامه سهام‌داری در خصوص باز خرید سهام خلاف قاعده آمره حقوق تجارت بوده و باطل و بلا اثر می‌باشد، اما باتوجه به قانون منع موانع تولید رقابت پذیر که

۱. ترجمه قسمتی از ماده: باز خرید سهام می‌تواند بروی شروط و مندرجات ذکر شده در اساسنامه موثر باشد. . .

باز خرید سهام در کشور تا سقف معینی مجاز شمرده شده است، می‌توان گفت هر چند قانون اخیر الذکر بر ممنوعیت ماده ۱۹۸ تخصیص وارد آورده است و وفق اصل حاکمیت اراده انعقاد توافق نامه سهامداری محتمل می‌باشد اما با عنایت به قوانین و تجربه کشورهای دیگر که در این موضوع محتاطانه و سختگیرانه عمل می‌نمایند، مجوز تنظیم توافق نامه سهامداری نیاز مند تصریح قانونگذار و تفسیر محاکم از قانون می‌باشد. که به قانونگذار ایران نیز پیشنهاد می‌گردد در خصوص این موضوع در لایحه قانون تجارت مصوب ۱۳۸۴ مبادرت به وضع قانون نماید.

۲. تعارض توافق نامه سهامداری با قوانین آمره (Mandatory Rules)

برخی قواعد آمره حقوق شرکت‌ها همان مواردی است که در قالب اساسنامه باید مورد توجه قرار گیرد. در واقع مفاد اساسنامه عمدتاً در برگزیده قوانین آمره حقوق شرکت‌ها است و به همین دلیل در نظام های حقوقی که مبادرت به وضع قانون در باب توافق نامه سهامداری نموده‌اند بر هماهنگی آن با قوانین آمره حقوق شرکت‌ها که مندرج در اساسنامه است، تاکید می‌گردد. به طوری که اگر مفاد توافق نامه سهامداری مغایر با قوانین آمره مذکور در اساسنامه باشد، اعتبار توافقات سهامداران با چالش مواجه است. پرونده راسل^۱ مبنای قانونگذاری و آرای متعدد در باب ماهیت، کارکرد و حل و فصل تعارضات و تعارض توافق نامه سهامداری با قوانین آمره حقوق شرکت‌ها بوده است. موضوع پرونده مزبور مربوط به توافق نامه سهامداری منعقد بین شرکت و چند تن از سهامدارانش بود که در وهله اول، مفاد قرارداد، صلاحیت قانونی شرکت در برابر افزایش سرمایه را محدود نموده بود.

در دادگاه عالی در مورد این پرونده سوالی با این مضمون مطرح گردید که آیا درج شرطی مبتنی بر منع شرکت از افزایش سرمایه — که از مفاد مبتنی بر قواعد آمره در اساسنامه است — قراردادی نافذ و معتبر محسوب می‌گردد یا باطل تلقی می‌شود؟ قاضی لرد جانسون (Jaunson I) در این پرونده صراحتاً اذعان نمود که اگر چه شرکت نمی‌تواند صلاحیت قانونی خود را محدود نماید اما سهامداران می‌توانند با یکدیگر در خصوص نحوه اعمال حق رأی خود توافق نمایند. در این پرونده، قاضی جانسون تعهدات قراردادی را از یکدیگر منفک نمود و توافق نامه موصوف را یک توافق کاملاً

1. Russell V Northen Bank Development Corporation.

خصوصی و معتبر بدون در نظر گرفتن هر گونه تعهدی برای شرکت تفسیر نمود (Cheung, 2012, pp.507-508).

بنابراین این نتیجه از پرونده راسل استنباط می‌شود که شرکت نمی‌تواند صلاحیت قانونی خود را که بر مبنای قوانین آمره در اساسنامه به وی اعطا شده است محدود نماید. ولی محدودیت مزبور می‌تواند با انعقاد توافق‌نامه سهام‌داری مبنی بر رای‌دادن به شیوه خاص (Voting Contracts) تعدیل گردد؛ چراکه مفاد قرارداد فوق بین سهام‌داران الزام آور و لازم الاجراست و حسب قرارداد، سهام‌داران ملزم به رای‌دادن به شیوه از پیش توافق شده مابین خودشان در مجمع عمومی می‌گردند؛ برای مثال هرچند شرکت قادر به سلب صلاحیت قانونی خود مبنی بر افزایش یا کاهش سرمایه نمی‌باشد، ولی با انعقاد قرارداد سهام‌داری مبنی بر حق رای، سهام‌داران می‌توانند از رای‌دادن در مجمع عمومی، نسبت به آن موضوع خاص اجتناب نمایند و بدین شکل محدودیت قانونی شرکت را مطابق با اراده خود با اعمال حق رای، وفق قرارداد، از میان بردارند.

۲۰۴

به همین جهت مهم‌ترین تحولی که در پرونده راسل اتفاق افتاد تصمیم دادگاه در حل و فصل تعارضات و جمع میان دو اصل قانونی بود که یکی از آنها برتری و توفیق اصول آمره حقوق شرکا و دیگری اصل آزادی قراردادی سهام‌داران است. نهایتاً آنچه که در پرونده راسل بیان می‌گردد راه حلی است که دادگاه در زمان وقوع تعارض توافق‌نامه سهام‌داری با قوانین آمره مندرج در اساسنامه در نظر می‌گیرد.

حالت دیگری که توافق‌نامه سهام‌داری در تعارض با قواعد آمره حقوق شرکت‌ها قرار می‌گیرد در موارد سکوت اساسنامه است؛ برای مثال می‌توان به پرونده هنگ کنگی بژین (Re Greater Beijing Express Ways LTD) اشاره نمود. در پرونده فوق، مهم‌ترین عاملی که در محدودکردن یا غیرمعتبر نمودن توافق‌نامه سهام‌داری نقش داشت، تعارض آن با مقررات آمره حقوق تجارت است. همان‌طور که در پرونده راسل نیز اشاره گردید هر مقرره حتی اگر در سند اساسنامه در صدد محدود نمودن یا نادیده گرفتن قوانین آمره حقوق شرکت‌ها عمل نماید به دلیل مغایرت با نظم عمومی باطل است که این امر به طریق اولی به قراردادهای جانبی حقوق شرکت‌ها نیز تسری می‌یابد. دادگاه برای محکم نمودن استدلالش به نظر قاضی جانسون در پرونده راسل و قاضی دیوی در پرونده سافاری (Welton v Saffery) استناد می‌نماید. در پرونده سافاری قاضی دیوی (Davey) بیان نمود: «قطعاً توافقات خصوصی جهت تامین منافع طرفین قرارداد تنظیم می‌گردد،

اما اگر چنین قراردادی توسط همه یا بعضی از سهامداران منعقد گردد موجب حقوق و تعهدات برای سهامداران اطراف قرارداد خواهد بود و نمی‌تولند تبدیل به قاعده‌ای برای شرکت گردد و یا اینکه منتقل الیه یا سهامداران جدید را به شکل بلقوه بدان ملزم نماید. «

همین رویه در مورد پرونده استرالیایی بست فلور (Best Floor 1999 VSC 170) نیز اتخاذ گردید. در پرونده مزبور دو شریک مبادرت به انعقاد توافق‌نامه سهامداری در یک جوینت ونچر نموده بودند و در توافق‌نامه مزبور شرط داوری در باب حل و فصل منازعات و اختلافات و انحلال شرکت وجود داشت. قاضی دارن (Daren L) شرط داوری مندرج در توافق‌نامه سهامداری را بی‌اثر دانست و نتیجه این پرونده به روشنی در پرونده تریدون (Tridon v Tridon) توضیح داده شد. استدلال دادگاه در پرونده تریدون بر این قرار گرفت: «تصمیم قاضی دارن در پرونده بست فلور مبتنی بر ملاحظات مربوط به نظم عمومی بوده که حول محور انحلال شرکت شکل گرفته بود. چراکه انحلال شرکت علاوه بر ظرفیت قرارداد بر حقوق اشخاص ثالث نیز موثر است» (Cheung, (2012, pp.509-511).

۲۰۵

بنابراین رویه‌ای که کشورها برای حل تعارض میان توافق‌نامه سهامداری با قوانین آمره به کار می‌گیرند با توجه به وسعت شمول قوانین آمره و رویه کشورها متفاوت است؛ برای مثال بر اساس رویه قضایی هنگ کنگ در صورت تعارض توافق‌نامه سهامداری با نظم عمومی آن را غیر معتبر می‌داند که دست محاکم را برای دخالت در توافقات سهامداران باز می‌گذارد. برای پایان بخشیدن به این مسئله وضع قانون در باب توافق‌نامه سهامداری خصوصاً در مورد شرکت‌های خصوصی ضروری به نظر می‌رسد که در این باره رجوع به استدلال دادگاه در پرونده راسل می‌تواند راهگشا باشد.

در حقوق ایران نیز به دلیل وجود خلأ قانونی و فقدان رویه قضایی مستحکم همچون انگلستان، اصل حاکمیت اراده سهامداران باید در چهارچوب قوانین آمره حقوق تجارت مانند، حق حضور صاحبان سهام در مجامع عمومی، صلاحیت‌های خاص مجامع عمومی، حد نصاب و رعایت تشریفات مقرر قانونی برای تشکیل مجامع، حق دریافت سود، حق اطلاع و رأی سهامداران و صلاحیت‌های قانونی شرکت همچون حق افزایش یا کاهش سرمایه، اعلام ورشکستگی و مانند آن مورد توجه قانونگذار قرار گیرد و شایسته است، محدودیت‌های لازم درباره گستره و دامنه قواعد آمره‌ای که فلسفه وجودی توافق‌نامه سهامداری را بی‌اثر می‌سازد از طریق تصریح قانونی مشخص

شود. باوجود این، همان طور که از پرونده‌ها و رویه‌های قضایی بیان شده، برمی‌آید، می‌توان انتظار داشت ابهامات مشابهی درباره تعارض توافق‌نامه سهام‌داری و قواعد آمره موجب طرح دعوی مشابه در نظام حقوقی ایران شود و باتوجه به اینکه تعارض مزبور یک تعارض ذاتی و واقعی بوده لذا با تصریح قانونگذار به قواعد آمره می‌توان از انعقاد قراردادی مغایر با آن اجتناب نمود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تعارضات میان توافق‌نامه سهام‌داری و اساسنامه شرکت زمانی رخ می‌دهد که قرارداد موصوف پس از تشکیل شرکت و بین بخشی از سهام‌داران منعقد شده باشد. مصادیق عمده بروز تعارض بین اساسنامه و توافق‌نامه سهام‌داری در بحث انتقال سهام، حق تقدم سهام‌داران، حقوق ممتاز و بازخرید سهام تجلی پیدا می‌کند. برای حل تعارضات در ارتباط با توافق‌نامه سهام‌داری دو رویکرد به چشم می‌خورد. در سیستم‌های حقوقی که مبادرت به وضع قانون درمورد توافق‌نامه سهام‌داری نموده‌اند، مانند اتریش، سوئیس و آلمان توافقات سهام‌داران بر مبنای اصل حاکمیت اراده منعقد می‌گردد و صرفاً محدودیت‌های ذکر شده در قانون و اساسنامه لازم‌الاجرا می‌باشند. به عبارت دیگر توافق‌نامه‌های سهام‌داری نسبت به قوانین آمره حقوق تجارت و اسناد بنایی شرکت در مرتبه‌ای پایین‌تر قراردادی بوده و باید با آنان منطبق باشند، اما در رویکرد دوم، در نظام‌های حقوقی مانند انگلستان، ایتالیا، بلژیک، دانمارک و امریکا که مبادرت به قانونگذاری توافق‌نامه‌های سهام‌داری نموده‌اند، یا در رویه قضایی فروع مسئله مشخص شده است، وضع متفاوت است. در این دسته از کشورها توافق‌نامه‌های سهام‌داری و شروط مندرج و محدودیت‌های ذکر شده در آنها به رسمیت شناخته شده و لازم‌الاجرا می‌باشند.

با بررسی و تبیین مصادیق تعارضات و قوانین کشورهای مربوطه می‌توان دریافت در این حوزه دو شکل از تعارضات متصور است: نوع اول تعارضات ظاهری که در مبحث انتقال سهام، حق تقدم سهام‌داران، سهام ممتاز و بازخرید سهام ممکن است ایجاد شود که با تامل و تبیین مسئله این تعارض ظاهری رفع می‌شود؛ بنابراین شایسته است باتوجه به تجربه کشورهای مختلف و جهت جلوگیری از طرح دعوی غیرضروری و تحمیل هزینه به شرکت‌ها و نظام اقتصادی کشور به حل یا عدم وجود تعارض در قانون تصریح شود. نوع دیگر تعارض، تعارض اساسی و واقعی بوده که در واقع به نقض قوانین آمره حقوق شرکت‌ها منجر می‌گردد؛ در این مورد توافق‌نامه سهام‌داری قابلیت

اجرائی نخواهد داشت. این موارد نیز باتوجه به تجربه کشورهای مختلف به ابهام و طرح دعاوی غیر ضروری می انجامد و شایسته است به مصادیق آن در قانون تصریح گردد.

در حقوق ایران باتوجه به عدم صراحت قانونی در مورد توافق نامه سهام داری، اصل حاکمیت اراده در چارچوب قوانین آمره و اساسنامه بر موضوع حاکم است اما شایسته است قانونگذار در لایحه قانون تجارت ۱۳۸۴ حدود مسئله را مانند نظام های حقوقی امریکا، ایتالیا، دانمارک مورد توجه قرار دهد. از طرفی شایسته است دامنه قواعد آمره نیز تا حدی گسترده نشود که فلسفه وجودی توافق نامه سهام داری را بی اثر سازد. برای نمونه درباره نقل و انتقال سهام، محدود کردن انتقال سهام از طریق توافق نامه سهام داری مستلزم تصریح قانونی است. همچنین باتوجه به اینکه در حقوق ایران قواعد مربوط به حق تقدم که در ماده ۱۶۶ ل. ا. ق. ت جنبه آمره دارد و نمی توان در اساسنامه خلاف آن را پیش بینی کرد اما در خصوص چگونگی، تشریفات و مراحل اسقاط حق تقدم، قانون ساکت است و باتوجه به اصل آزادی اراده چنین مواردی قابل اسقاط است و سهام داران می توانند از حق خود صرف نظر کرده و آن را ساقط نمایند اما باتوجه به آمره بوده اصل حق تقدم لازم است حدود مذکور در قانون تصریح شود؛ بنابراین با تبیین و تشریح ابعاد توافق نامه سهام داری و حقوق کشورهای مختلف در مقاله حاضر به بررسی مصادیق تعارضات و نحوه مواجهه با آنان جهت جلوگیری از پرونده زایی و تحمیل هزینه اجتماعی به جامعه از طریق طرح دعاوی متعدد و ازدیاد بار محاکم پرداختیم و باتوجه به اینکه استفاده از توافق نامه سهام داری در کشورهای مختلف وفق آمار روبه افزایش بوده و پی به ضرورت آن در راستای تحول و کارآمدی و منعطف نمودن و پویایی حقوق شرکت ها برده شده از سال ۲۰۱۰ تاکنون مورد قانونگذاری در کشورهای مختلف قرار گرفته است که به قانونگذار ایران نیز پیشنهاد می گردد با وضع قانون و روشن نمودن حدود و ابعاد مسئله به این جنبش بپیوندد.

بر اساس موارد مذکور که مناسب است موارد ذیل در قالب دو ماده در لایحه قانون تجارت مصوب ۱۳۸۴ پیشنهاد گردد:

ماده اول — توافق نامه سهام داری قراردادی است که سهام داران پس از تشکیل شرکت و تصویب اساسنامه با رعایت شرایط اساسی صحت قراردادها می توانند در مورد موضوعات ذیل منعقد نمایند: — امور مربوط به اداره شرکت از قبیل خاتمه دادن به مدیریت هیات مدیره یا محدود نمودن اختیارات آن ها، تعیین و نصب اعضای هیات مدیره یا در نظر گرفتن عضو ناظر در هیات مدیره

برای حفظ حقوق سهام‌داران اقلیت

— نحوه اعمال حق رأی سهام‌داران یا اعمال حق رأی آنها به شیوه خاص در مجامع عمومی یا تجمیع آرای آنان در مورد موضوعات مطروحه در مجمع.

— حقوق مالی وابسته به سهام مانند نحوه تقسیم سود، حق تقدم سهام‌داران، بازخرید سهام — حقوق مربوط به شخص سهام‌دار مانند نحوه انتقال سهام یا ایجاد محدودیت در انتقال سهام برای سهام‌داران اعضای توافق‌نامه سهام‌داری

تبصره: توافق‌نامه سهام‌داری که با اجماع کلیه سهام‌داران و شرکا منعقد می‌گردد در حکم اساسنامه بوده و باید در مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت برسد.

ماده دوم — توافق‌نامه سهام‌داری در صورت سکوت اساسنامه نمی‌تواند در تعارض با قوانین آمره حقوق شرکت‌ها مانند انحلال شرکت تغییر تابعیت شرکت حد نصاب مقرر قانونی برای شرکت و رأی‌گیری در مجامع عمومی مستثنی نمودن یک یا چند سهام‌دار در سهم‌شدن در نفع و ضرر مربوط به شرکت و نحو این‌ها قرار گیرد.

تبصره: در صورتی که مفاد توافق‌نامه سهام‌داری مغایر با قوانین آمره حقوق تجارت باشد باطل و بلا اثر بوده و هر ذینفع می‌تواند اعلام بطلان آن را از دادگاه صالح تقاضا نماید.

۲۰۸

منابع

۱. اسکینی، ربیعا؛ حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری؛ ج ۲، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۱.
۲. بهرامی، محمد؛ حقوق سهام‌داران شرکت‌های سهامی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)؛ تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰.
۳. بهشتی، شقایق، ربیعا اسکینی و دیگران؛ «وضعیت حقوقی سهام قابل بازخريد و بازخريد سهام عادی در حقوق ایران و انگلستان»، فصلنامه حقوق تطبیقی؛ ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ص ۱۲۱-۱۴۰.
۴. حسینی سرچشمی، سیده‌خلیجه و سام محمدی؛ «بررسی حق تقدم سهام از منظر نظام حقوقی ایران»، فصلنامه بورس اوراق بهادار؛ ش ۵۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص ۲۸-۵.
۵. شهیدی، سیدمرتضی و حمیده زرعی؛ «ماهیت حق تقدم استفاده‌نشده با مطالعه تطبیقی در حقوق امریکا»، فصلنامه بورس اوراق بهادار؛ ش ۴۲، تابستان ۱۳۹۷، ص ۲۹-۵۱.
۶. صادقی، حسین، حمیده زرعی و دیگران؛ «مبانی و منابع حق تقدم ناشی از افزایش سرمایه سهام‌داران»، مبانی فقهی علوم انسانی؛ ش ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص ۱۸۱-۲۰۷.
7. Chemla, Gilles & HabibiA, Michel, Ljungqvist, Alexander; *an Analysis of ShareHolder Agreements*; UBC, UNRS, and CEPR, and NYU Stern School and CEPR, 2004.
8. Cheung, Ritha; *Share Holders, Contractual Freedom in Company Law*; Journal of Business Law, issue6, Law Publishers, London, 2012.
9. Duffy, Micheal J; *Share Holder Agreements and Share Holder Remedies, Contract Versus Statutes*; Bond Law Review, vol. 20, No 2, 2008.
10. Fan, Zhongwen; *Share Holder Value Implication of Blockhain*

Recordkeeping of Stock Ownership; the University of Texas at Dalas, 2019.

11. Graves, Brian; *ShareHolder Agreements*; St Andrews Club and Conference Centre, Toronto, 2005.
12. Griffin, Stephen; *Company Law Fundamental Principle*; 4th Edition:Person Longman pub, 2006.
13. Kaal, Wulf A; *ShareHolder, s Agreements, National Report of United States Of America*; University Of st Thomas, Minnesota-School Of Law, 2017.
14. Mock, Sebastien, Csach, Kristien, Havel, Bohumil; *International Handbook on ShareHolder, s Agreements*; De Gruyter Handbook, Berlin/Boston:Walter De Gruyter, 2018.
15. Mock, Sebastien; *Share Holder Agreements in Family Firms and Closed Corporation*; University of Economic and Business, Department of Private Law, 2020.
16. Niranjana, v, Varottil, Umakanth; *the Enforceability of Contractual Restrictions on the Transfer of Shares*; 5supreme Court Case, j-1, 2012.
17. Roth, Markus; *Shareholder, s Agreements in Listed Companies:Germany*; University Of Marburg, Faculty Of Law, 2013.
18. Schoenfeld, Jordan; *Contracts Between Firms and Shareholders*; Daramouth College, 2020.
19. Singelton, Susan; *Joint Ventures and ShareHolder, Agreements*; 6th Edition, Bloomsbury Professional, , Bloomsbury Publishing Plc, 2021.
20. Vitali, Matteo L; *Class Of Shares and Share Redemption In the Italian and Uk Context*; University Of Brescia; European Corporate Governance Institute, 2005.